

انجیل پادشاهی خدا (۹)

آزمایشات مسیح (متی ۱:۴-۱۱)

مطالعه مون رو از انجیل پادشاهی خدا پی می گیریم.

جلسه گذشته به تعمیم آب عیسی مسیح توسط یحیی تعمید دهنده پرداختیم، و در این مراسم باشکوه، شاهد حضور هر سه اقنوم تثلیث، یعنی (۱) عیسی مسیح بعنوان تعمیدگیرنده، (۲) روح القدس که بصورت کبوتری بر او قرار گرفت و (۳) خدای پدر که از آسمان خشنودی اش را از عیسی را بعنوان پسر یگانه خود اعلام کرد بودیم.

و گفتیم که بدین گونه، عیسی مسیح رسماً خدمتش را بعنوان پادشاه و نجات دهنده جهان آغاز می کند.

اما در انتهای جلسه اشاره کردیم که هنوز یک مرحله دیگر باقی است و آن امتحان یا تجربه ایست که باید آنرا بگذرانند.

پس امروز از متی ۱:۴-۱۱ آزمایشات مسیح در بیابان را با هم مطالعه خواهیم کرد.

*** آیات ۱-۳

متی ۱:۴-۳ آنگاه عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را تجربه نماید. و چون چهل شبانه روز روزه داشت، آخر گرسنه گردید. پس تجربه کننده نزد او آمده گفت:

ماجرای تجربه مسیح در بیابان ارتباط مستقیم با ماجرای تعمیم آب او دارد.

ما در تعمیم آب عیسی مسیح، شاهد تأیید پادشاهی او توسط روح القدس و خدای پدر از آسمان هستیم، اما در اینجا با اثبات و صلاحیت او بعنوان یک پادشاه روبرو می شویم.

پس، در تعمیم آب مسیح، روح القدس او را بعنوان پادشاه مسح می کند و پدر آسمانی آنرا با تأیید اعلام می نماید.

اما بلافاصله پس از تعمیم آب، می بینیم که جهت اثبات وفاداری اش به بیابان برده می شود تا در آنجا آزمایش شود.

به همین دلیل در واقعه تعمیم آب حاکمیت عیسی مسیح اعلام شد و در تجربه بیابان آشکار گردید.

پس عیسی به بیابان برده شد تا ثابت کند که او حقیقتاً همان پسر محبوب خداست.

علاوه بر این، عیسی آشکار می سازد که او تماماً تسلیم کلام خدا و پدر آسمانی اش است.

تعمیم آب برای مسیح یک پیروزی بزرگ محسوب می شود و تجربه در بیابان، امتحانی است که باید بلافاصله پس از پیروزی برای نشان دادن وفاداری گذرانده شود.

مرقس در انجیلش، پس از شهادت پدر آسمانی می گوید که روح القدس او را بلافاصله، بی درنگ یا فوراً به بیابان می برد:

اینگونه می فرماید:

مرقس ۱۱:۱-۱۲ و ندایی از آسمان در رسید و گفت: "تو فرزند عزیز من هستی که از تو بسیار خشنودم". بلافاصله پس از این رویداد، روح خدا، عیسی را به بیابان برد. در آنجا چهل روز تنها ماند. (ترجمه تفسیری)

بعبارتی، مسیح بلافاصله پس از بزرگترین موفقیتش به بیابان برده می شود تا بزرگترین آزمایش خود را بگذراند.

این می تواند برای زندگی روزمره ما نیز صادق باشد. یعنی باید هوشیار باشیم که پس از هر پیروزی یا موفقیتی، بلافاصله یک آزمایش قرار دارد. کلام خدا در این رابطه چنین هشدار میدهد:

اول قرنیتان ۱۰:۱۲ پس آنکه گمان برد که قایم است، باخبر باشد که نیفتد.

چون درست هنگامی که ایمانداران اعتماد به نفس بیش از حد پیدا میکنند آنگاه است که آسیب پذیرتر میشوند. تاریخ نویس معروفی بنام Arnold Toynbee میگوید خطرناکترین زمان برای یک تمدن وقتی است که مردم احساس میکنند که کاملاً در امنیت هستند و چالشی در مقابل خود نمی بینند.

این موضوع ما را بیاد ایلیا میاندازد که در اول پادشاهان باب ۱۸ به تنهایی بر کوه کرمل انبیای بعل را با شجاعت تمام شکست میدهد. همه این واقعه را بخوبی بیاد داریم که چگونه ایلیا یک تنه با شجاعت در مقابل صدها نفر از معلمین، کاهنان و انبیای کذبه ایستاد و نزد خدا دعا کرد و پیروزی عظیمی بدست آورد.

اما بلافاصله در باب ۱۹ می بینیم که او در حال فرار است. باورتان می شود که ایلیا با سرعت هر چه تمام تر در حال فرار به خارج شهر است. آنهم برای چه؟ چون یک زن بنام ایزابل بدنبال اوست.

برای یک مسیحی واقعی، استراحت مفهومی ندارد.

پولس رسول در انتهای عمر خود می گوید که به جنگ نیکو جنگ کرده ام. یعنی تمامی عمرش را با جدوجهد و چالش گذرانده است.

اکنون نیز می بینیم که عیسی مسیح پس از کسب خشنودی از پدر و پر از مسح روح القدس بلافاصله به چالش با شیطان مشغول می شود.

حال بیائید به اولین آیه بخش مورد نظرمان نگاهی بیاندازیم: متی ۱:۴.

The Personal Devil

نام و نحوه وسوسه شیطان

آیه ۱ ...

آیه ۱- آنگاه عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را تجربه نماید.

هیچ میدانستید که بعضی ها به وجود شیطان معتقد نیستند. حال در بسیاری از بخشهای کلام خدا بخصوص در این آیه شیطان را در مقابل عیسی مسیح می بینیم.

در کتاب مقدس اشارات زیادی به شیطان شده. او در سراسر انجیل متی با عیسی مسیح درگیر است.

مثلاً در متی ۲۳:۱۶ مسیح شیطان را نهیب می دهد.

در باغ جتسیمانی، در واقعه صلیب و حتی در کتاب مکاشفه که آخرین کتاب عهدجدید است، شیطان را با عیسی مسیح در حال مبارزه می بینیم.

رسولان هم به وجود او اعتقاد داشتند و برای همین هم در رسالات به او اشارات زیادی شده است.

شیطان بدلیل اخراج شدن از ملکوت آسمان، با رشک، ترس و تنفر از خدا تمام تلاش خود را بکار می گیرد تا مسیح خداوند را لغزش دهد و به اهداف خود برسد.

شیطان برای مردم ارزشی قائل نیست، او تلاش می کند تا مردم را از دست خدا برآید، فرصت نجات را از آنها بگیرد.

جالب اینجاست که اگر مسیح واقعه تجربه در بیابان را برای کسی تعریف نمی کرد، هیچکس از آن مطلع نمی شد.

پس بیائید از کلام خدا، به شناخت بیشتر شیطان پردازیم:

کلمه ابلیس یا شیطان در اصل یونانی (دیابالاس) *diabolos* به معنای تهمت و افترا کننده است.

القاب و نامهای زیادی در کتابمقدس برای شیطان بکار گرفته شده که برای اشیای بی جان مثل نیرو، بخار یا مه کاربرد نداشتند.

بعنوان مثال: شیطان رئیس این جهان، رئیس قدرت هوا، خدای این عصر، رئیس ارواح شریر، لوسیفر، آن شرور، مار، افعی، اژدهای بزرگ، خراب کننده، وسوسه کننده، اغوا کننده، روح فرزندان معصیت و بسیاری از این قبیل، و این ثابت می کند که او یک شخص واقعی است.

حال در متی ۱:۴، می بینیم که برای اشاره به شیطان از نام ابلیس یا تهمت زننده استفاده شده است.

نکته دیگری که در آیه ۱ باید به آن توجه کرد، واژه تجربه که در ترجمه های دیگر فارسی وسوسه و آزمایش ترجمه شده است.

پس آیه چنین می گوید:

آزمایش یا وسوسه شدن

متی ۱:۴- آنگاه عیسی به ... به بیابان برده شد تا ابلیس او را تجربه / وسوسه یا آزمایش نماید.

هزاره نو - وسوسه کند

ترجمه تفسیری - وسوسه و آزمایش کند

کلمه یونانی *Peirasmos* یا (*peirazo / pi-rad-zo*) که به فارسی وسوسه ترجمه شده اساساً یک کلمه خنثی است. به این مفهوم که می تواند هم وسوسه بد یعنی گناه آلود و هم یک آزمایش خوب ایمان معنی بدهد. و این چیز است که ما باید از این آیه درک کنیم.

معمولاً وقتی کلمه وسوسه را می شنویم بلافاصله جنبه منفی آنرا که به مفهوم فریفتن یا اغوا شدن برای یک کار شرورانه یا گناه است به نظرمان می آید.

اما همانطور که گفته شد واژه یونانی آن لزوماً بار منفی ندارد بلکه می توان آنرا یک آزمایش مثبت هم در نظر گرفت.

حالا بیائید تفاوت این دو را بررسی کنیم.

از دید خدا **pir-rad-zo** یک امتحان یا آزمایش ایمان است، اما از دید شیطان یک وسوسه محسوب می شود.

از نظر خدا این آزمایش وسیله ای است که از طریق آن صلاحیت و ارزش فرزندش را رازبایی و تعیین می کند،

اما از نظر شیطان وسیله ای برای ثابت کردن بی ایمانی، بی وفایی و نالیافتی شخص به خداست. حالا تفاوت این دو را مشاهده کردید؟

بنابراین در زندگی ما مسیحیان هر آنچه که می گذرد، از طرفی، شیطان آنرا برای اثبات بی ایمانی ما استفاده می کند، اما از طرف دیگر برای خدا، وسیله ای برای اثبات ایمان و وفاداری ما به او، محسوب می شود.

به همین دلیل یعقوب در این رابطه چنین می گوید:

یعقوب ۲:۱ برادران عزیز، وقتی مشکلات و آزمایشهای سخت (*peirasmos / pi-rat-mos*) از هر سو بر شما هجوم می آورند، بسیار شاد باشید،

قطعاً منظور یعقوب در این آیه جنبه منفی مشکلات و آزمایشهای سخت، یعنی وسوسه نیست.

خدا گاهی اجازه می دهد که در زندگی، بر ما مسیحیان، تمرینات یا آزمایشات وارد شوند تا به اصطلاح عضلات روحانی ما پرورش پیدا کنند.

البته شیطان هم سعی خواهد داشت تا از همان تجربیات، ما را به گناه بکشاند اما در هر حال، هدف خدا اینست که امین و صالح یافت شویم در صورتیکه از طرف دیگر شیطان عکس این هدف را در آزمایشات ما دنبال می کند. به آیه ۱۳ همین باب نگاه کنید.

یعقوب ۱۳:۲ وقتی کسی وسوسه شده (*peirasmos / pi-rat-mos*) ، بسوی گناهی کشیده می شود، فکر نکند که خدا او را وسوسه می کند، زیرا خدا از گناه و بدی بدور است و کسی را نیز به انجام آن ، وسوسه و ترغیب نمی کند.

در اینجا همان واژه (*peirasmos / pi-rat-mos*) وسوسه ترجمه شده است. جالب است در آیه ۲ تجربه و در آیه ۱۳ وسوسه ترجمه شده. حالا برگردیم به متن انجیل متی:

آیه ۱-۳ آنگاه عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را تجربه نماید.

با توجه به تعریفی که از آزمایش و وسوسه حاصل شد، از این آیه می توانیم اینطور استنباط کرد که روح خدا، عیسی مسیح را، بلافاصله پس از تعمید آبش به بیابان هدایت می کند تا صلاحیت و وفاداری او را به نمایش بگذارد.

اما از طرف دیگر، شیطان از این فرصت استفاده می کند تا با وسوسه های فریب انگیزش مسیح را به گناه بکشاند.

در هر حال، تا نتیجه کار آشکار نشود، معلوم نخواهد شد که آنچه به عیسی مسیح گذشت آزمایش ایمان، یا وسوسه گناه آلود، بوده است.

در این ماجرا، خدای پدر در نقش مدافع و حمایت کننده شخص آزمایش شده است و شیطان، به لغزش و فریبکاری مشغول او مشغول است.

ما نیز باید وقایع زندگی مان را اینگونه نگاه کنیم، درست همانگونه که یوسف به مشکلاتش نگاه کرد.

پیدایش ۵۰:۲۰ هر چند شما به من بدی کردید، اما خدا عمل بد شما را برای من به نیکی مبدل نمود و چنان که می‌بینید مرا به این مقام رسانیده است تا افراد بی‌شماری را از مرگِ ناشی از گرسنگی نجات دهم.

نکته مهم دیگری که در رابطه با تجربیات باید به آن اشاره کرد این واقعیت است که، تجربیات مسیح به این واقعه آزمایشات در بیابان ختم نمی‌شود. از کلام خدا می‌توان دریافت که عیسی مسیح همیشه در گذر امتحانات بود بطوریکه در لوقا ۲۲:۲۸ به شاگردانش چنین می‌گوید:

لوقا ۲۲:۲۸ شما کسانی می‌باشید که در امتحانهای من (peirasmos / pi-rat-mos) با من بسر بردید.

مسیح دائم در جنگ و جدال با شیطان بسر میبرد تا اینکه در نهایت با صلیب و قیامش بر او ظفر یافت.

سوالی که اینجا برای خیلی‌ها، حتی الهیات دانان پیش می‌آید این است که، آیا خدا وسوسه می‌شود؟

برای پاسخ به این سوال اول باید یک مسئله را روشن نمود و آن این سوال است که:

آیا عیسی مسیح می‌توانست گناه کند؟

جواب البته منفی است. عیسی مسیح نمی‌توانست گناه کند. چون او خدا بود و بقول حبقوق نبی:

حبقوق ۱:۱۳ "چشمان تو پاکتر است از اینکه به بدی بنگری و به بی‌انصافی نظر نمی‌توانی کرد."

ذات خدا با قدوسیت آمیخته است. تمامی صفات نیکوی مطلق در ذات او نهفته است. شخصیت خدا عاری از بدیست.

یعقوب ۱:۱۳ می‌گوید که "خدا از تجربیات و وسوسه بدور است" بنابراین عیسی در ذات الهی اش هرگز دچار تجربه نمیشود. اما از طرف دیگر عیسی نیز انسان بود در طبیعت انسانی اش او تجربه میشد و برای همین هم به بیابان برده شد (البته بدون گناه).

اول قرن‌تین ۵:۲۱ در مورد او می‌گوید: "زیرا او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم."

یوحنا ۸:۴۶ عیسی مسیح رو به مردم می‌کند و می‌پرسد. کیست از شما که مرا به گناه ملزم سازد؟

اول یوحنا ۳:۵ نیز می‌گوید که: او ظاهر شد تا گناهان را بردارد و در وی هیچ گناه نیست.

پس، عیسی نه تنها هرگز گناه نکرد، بلکه او نمی‌توانست گناه کند.

او در جسم انسانی و با تمام محدودیتهایی که یک انسان دارد، از تجربیات گوناگون بدون گناه عبور کرد تا بتواند جریمه گناهان ما را بپردازد، و از خود برای ما، نمونه کاملی بجا بگذارد که در اثر اقدامش زندگی و رفتار کنیم.

یعنی در قدوسیت بدون گناه، ولو اینکه در زحمت باشیم.

وسوسه با گناه یا بدون گناه

سوال دیگری که معمولاً پرسیده می‌شود این است که،

حال که مسیح نمی‌توانست گناه کند، آیا وسوسه او واقعی بود؟

جواب مثبت است. سوال من از کسانی که این سوال را می پرسند، این است که:

آیا شما هر بار که وسوسه می شود، بعد از آن گناه می کنید؟ امیدوارم که پاسخ خیر باشد.

حال اگر وسوسه شما بدون گناه باشد، آیا وسوسه شما واقعی است. البته پاسخ مثبت است.

در عبرانیان ۱۵:۴ میخوانیم:

عبرانیان ۱۵:۴ "این کاهن اعظم (عیسی مسیح) از ضعفهای ما بی خبر نیست، زیرا او خود در همین امور وسوسه شد، اما حتی یکبار هم به زانو در نیامد و گناه نکرد."

ما نمیدانیم که عیسی مسیح در هنگام تجربیات و وسوسه از لحاظ روحی، روانی و احساسی چه حالتی را می گذراند اما از کلام خدا می فهمیم که او در جسم انسانی اش شخص بسیار حساسی بود. بعنوان مثال:

عیسی مسیح در لوقا ۵۰:۱۲ در اندوه و تنگی بود،

در متی ۲۳:۱۷ او بسیار محزون می شود،

در کلام خدا می خوانیم که:

عیسی مسیح نسبت به مردم ترحم می کند و در جایی خشمگین می شود.

عیسی پر از احساسات بود، در اناجیل می خوانیم که او گریه می کند، نگران می شود حتی از پدر آسمانی اش تشکر میکند و این حس قدر شناسی او را نشان میدهد.

پس جای تعجب نیست که در ادامه متن متی ۲:۴ میخوانیم.

آیه ۲ ...

متی ۲:۴ و چون چهل شبانه روز روزه داشت، آخر گرسنه گردید.

عیسی مسیح مثل هر انسان دیگر گرسنگی، تشنگی، سرما و گرما را تجربه کرد و اکنون پس از ۴۰ شبانه روز روزه گرفتن، گرسنه می شود، بهمین دلیل شیطان وضعیت را برای وسوسه کردن مسیح مناسب می بیند.

پس باید از روشهای شیطان در فریب و وسوسه کردن افراد مطلع باشیم.

اصولاً شیطان از دو عامل ضعف و قوت افراد، برای وسوسه و فریب استفاده می کند.

بعنوان مثال: در رابطه با عیسی مسیح،

از آنجائیکه مسیح در جسم بود، شیطان از ضعف جسمانی او استفاده کرد و از او خواست که از سنگها نان تهیه کند،

و از طرف دیگر، چون می دانست که او پادشاه وعده داده یهود است، پادشاهی جهان را به او پیشنهاد می کند.

همچنین چون می دانست که پسر خداست، الوهیت او را زیر سوال می برد.

نکته قابل توجه دیگر در آیه ۱، مکان آزمایش مسیح می باشد.

مکان آزمایش

متی ۱:۴-۱- آنگاه عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را تجربه نماید.

محل آزمایش مسیح در بیابان / محل آزمایش آدم در باغ عدن

نکته کلیدی در رابطه با این بیابان، مقایسه آن با باغ عدن یعنی مکانی است که بقول کلام خدا، آدم اول یعنی آدم (آدم و حوا) در آن وسوسه شد.

آدم در باغی با تمام امکانات آسایشی وسوسه شد.

آدم در بین حیوانات اهلی و مطیع بود، در مکانی بسیار امن بود.

آدم در اوج سیری تجربه شد

اما محل آزمایش آدم آخر (مسیح) یک بیابان خشک و لم یزرع. تثنیه ۸:۱۵ در رابطه با این مکان چنین می گوید

تثنیه ۸:۱۵ مواظب باشید خدایی را که شما را در بیابان ترسناک و بزرگ، در آن زمین خشک و بی آب و علف که پر از مارهای سمی و عقربها بود، هدایت کرد فراموش نکنید. او از دل صخره به شما آب داد!

عیسی مسیح در اوج گرسنگی و تشنگی، در یک بیابان خطرناک پر از مارهای سمی و عقربها تجربه شد.

مرقس ۱:۱۳ اضافه میکند که: در آنجا پر از حیوانات وحشی بود.

از اینجا میتوان نتیجه گرفت که، پیروزی یک شخص مسیحی، ارتباطی به مکان و اوضاع و شرایط اطراف ندارد.

بلکه آنچه اهمیت دارد، سیرت، صفات و شخصیت فرد امتحان شونده می باشد.

چهل شبانه روز تنهایی و گرسنگی

آیه ۲ و چون چهل شبانه روز روزه داشت، آخر گرسنه گردید. پس تجربه کننده نزد او آمده گفت:

حال بیائید ببینیم که جریان این چهل شبانه روز چیست و چرا عیسی مسیح باید در مدت در بیابان تنها و گرسنه باشد؟

شاید این زمان برای تعمق و تفکر او لازم بود.

موسی نیز ۴۰ سال تنهایی کشید. ایلیا نزد جویبار تنها شد. پولس رسول ۳ سال در صحرای عربستان بعرب شد.

مسیح به این زمان تنهایی در بیابان که مثل یک کوره آزمایش برایش بود، نیاز داشت. چون می دانست که چه مأموریت سختی پیش رو دارد.

مسیح در این ۴۰ شبانه روز داشت همان کاری را می کرد که پولس در افسسیان ۱۱:۶ به همه ما سفارش کرده است.

افسسیان ۱۱:۶ خود را با تمام سلاح های خدا مجهز کنید تا بتوانید در برابر وسوسه ها و نیرنگهای شیطان ایستادگی نمایید.
(ترجمه تفسیری)

مسیح چون در جسم بود، نیاز داشت که با پدر آسمانی خود خلوت کند و خودش را برای این تغییر بزرگ، یعنی گذشتن از ۳۰ سال انزوا در ناصره و رفتن به شهرهای شلوغی چون اورشلیم و جلیل و برخورد با انواع بی ایمانان، مریضان و رهبران روحانی و سیاستمداران، آماده کند.

مسیح به شاگردانش نیز همین سفارش را کرد که باید قبل از بروز بحرانها، خود را آماده بسازیم.

متی ۴۱:۲۶ با من بیدار بمانید و دعا کنید مبدا وسوسه کننده بر شما غالب آید. چون روح مایل است اما جسم، ضعیف و ناتوان .

مسیح نیز پس از ۴۰ شبانه روز گرسنگی و تنهایی کاملاً هوشیار و گوش بزنگ بود.

از مرقس ۱ و لوقا ۴ می فهمیم که شیطان در طول مدت این ۴۰ شبانه روز مرتب با او در ستیز بوده اما اینجا می بینیم که پس از اتمام این ۴۰ شبانه روز عیسی احساس گرسنگی و ضعف و ناتوانی می کند و این مسئله نقطه اوج این تجربه را می رساند.

هشدار اول پطرس ۸:۵

پطرس ۸:۵ هشیار و مراقب باشید، زیرا دشمن شما، شیطان، همچون شیری گرسنه، غران به هر سو می گردد تا طعمه ای بیابد و آن را بلعد.

حال پس از ۴۰ شبانه روز عیسی مسیح خود را مسلح ساخته و شیطان با سه آزمایش سعی دارد او را از پا در آورد.

حال بیابید به مطالعه آزمایشات پردازیم. اولین آزمایش را در آیه ۳ می خوانیم:

اولین آزمایش (آیات ۳ و ۴) / اگر پسر خدا هستی - سنگها را نان کن

متی ۳:۴ پس تجربه کننده نزد او آمده، گفت: «اگر پسر خدا هستی، بگو تا این سنگها نان شود.» (ترجمه کلاسیک)

شیطان وسوسه را با اگر شروع می کند. یعنی سعی دارد که در او شک ایجاد کند.

در واقع شیطان از او می خواهد که پسر خدا بودنش را ثابت کند!

این زمزمه های شک و تردید شیطان توی گوش مسیحیان، هیچ وقت تمومی ندارد.

شیطان از مسیح خواست تا سنگها را تبدیل به نان کند.

شاید بعضی فکر کنند که این یک وسوسه جسمانی است.

در آیه ۲ خوانیدم که عیسی مسیح ۴۰ شبانه روز روزه داشت و الان بشدت گرسنه است.

وسوسه مسیح سیر کردن شکم گرسنه اش نبود، بلکه موضوع خیلی جدی تر از این حرفهاست.

نکته اصلی این وسوسه، سیر کردن شکم گرسنه مسیح نیست. غذا خوردن که بد نیست!

باید از زاویه دیگر به این وسوسه نگاه کرد.

در واقع شیطان داره به عیسی مسیح میگه مگه پدر آسمانی ات ۴۰ روز پیش اعلام نکرد که تو پسر حبیب او هستی که از تو خشنوده؟

پس چرا حالا توی این بیابان تو رو تنها گذاشته تا از گرسنگی بمیری؟ من هیچ وقت فرزندانم را در بیابان، آن هم چنین بیابان خطرناکی بدون غذا تنها نمی گذارم.

چرا با داشتن چنین پدر مهربانی باید گرسنگی بکشی؟ تو هم قدرت پدر را داری. مگر با پدر برابر نیستی؟

پس بیا و این سنگها را نان کن و بخور نوش جان، هیچی نمی شه!!!!

خوب دقت کنید وسوسه در گرسنگی و رفع نیاز جسمانی مسیح نبود بلکه در پیشنهادی بود که شیطان به او کرد. در واقع، شیطان داشت به او می گفت که تو وظیفه خود را نسبت به پدر انجام دادی، این خداست که سهمش را انجام نمیده.

تمام تلاش شیطان این بود که مسیح را وادار کند تا تمام نیازهای انسانی خود را با قدرت الهی خودش تامین کند چون به اعتقاد شیطان پدر او را واگذاشته بود.

این برای شیطان یک فرصت طلایی بود. یعنی فرصتی که بتواند در ذات قدوس الهی شکاف ایجاد کند.

اما پاسخ عیسی مسیح در آیه ۴ اینچنین است.

متی ۴:۴ در جواب گفت: «مکتوب است انسان نه محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد.»

اولاً اینکه عیسی مسیح در تمام پاسخ هایش واژه کلیدی "مکتوب است" را تکرار می کند، که نمایانگر سرسپردگی کامل اوست به کلام خداست.

عیسی مسیح به تثنیه ۳:۸ اشاره می کند.

تثنیه ۳:۸ آری، او شما را در سختی و گرسنگی نگه داشت و بعد به شما «من» را داد تا بخورید، غذایی که شما و پدرانتان قبلاً از آن بی اطلاع بودید. او چنین کرد تا به شما بفهماند که زندگی فقط به خوراک نیست، بلکه به اطاعت از کلام خداوند.

عیسی مسیح این اصل روحانی را به شاگردانش آموزش داد.

متی ۳۳:۶ اگر شما قبل از هر چیزی، به ملکوت و عدالت خدا دل ببندید، او همه این نیازهای شما را برآورده خواهد ساخت .

شیطان پس از شنیدن پاسخ مسیح، وارد راند دوم می شود و سعی می کند تا با روش دیگری او را با وسوسه به گناه بیاندازد.

***** وسوسه یا آزمایش دوم: اگر فرزند خدایی، خود را بیانداز**

متی ۵:۴-۶ سپس شیطان او را به شهر اورشلیم برد و بر روی بام خانه خدا قرار داد، و به او گفت: «خود را از اینجا بینداز و ثابت کن که فرزند خدا هستی؛ چون کتاب آسمانی می فرماید: خدا فرشتگان خود را خواهد فرستاد تا تو را از خطر حفظ کنند... آنها

نخواهند گذاشت که حتی پایت به سنگ بخورد.»

در اینجا شیطان از کتاب مقدس، نقل قول می کند.

مزمور ۱۱:۹۱-۱۲ او به فرشتگان خود دستور می دهد تا به هر راهی که بروی، از تو حمایت و محافظت کنند. تنها تو را روی دست خود خواهند گرفت تا پایت به سنگ نخورد.

بعد از آزمایش اول، حتماً شیطان به مسیح می گوید، خوب اگر حاضر نیستی که حتی یک ذره از اختیار خود استفاده کنی و تصمیم داری که تماماً به پدر آسمانی ات اعتماد کنی حرفی نیست، اما ثابت کن که واقعاً به پدرت اعتماد کامل داری و اقدام به وسوسه بعدی می کنی.

شیطان در اینجا بسیار زیرکانه عمل می کند در وسوسه قبل از مسیح خواست کاری بکند اما حال که می بیند او تسلیم نمی شود این دفعه از مسیح کاری نمی خواهد بلکه می گوید اگر تو راست می گویی بگذار خدا عمل کند.

در وسوسه قبل مسیح گفت که من تماماً مطیع کلام خدا هستم الان شیطان می گوید باشه ثابت کن چون کلام خدا میگوید که از تو محافظت میکند.

این وسوسه درست نقطه مقابل وسوسه قبل است در اینجا شیطان مسیح را تحت فشار قرار میدهد.

این وسوسه از وسوسه قبلی بدتر و سخت تر است.

در این وسوسه گناه دو برابر است.

چون با تسلیم شدن به این وسوسه دو گناه صورت می گیرد:

گناه اول توکل به خدا با روش غلط و

گناه دوم، خدا را بر فرض یا احتمال کاری قرار دادن (مثل این میماند که من خدا را کنترل کنم).

در وسوسه اول خطر گرسنگی وجود داشت اما در اینجا شخص باید خودش خطر را ایجاد کند.

بعبارتی، در این وسوسه، این خداست که مثل موش آزمایشگاهی مورد آزمایش قرار می گیرد (یعنی نقشها عوض می شود بجای اینکه ما آزمایش شویم، خدا آزمایش می شود).

مزمور ۱۳:۱۹ بنده ات را نیز از اعمال متکبرانه باز دار تا بر من مسلط نشود؛ آنگاه بی عیب و از گناه عظیم مبرا خواهم بود.

در اینجا اعمال متکبران در اصل عبری یعنی گناه فرض کردن است (To Presume).

عیسی مسیح در پاسخ به آزمایش دوم، از تثنیه ۶:۱۶ نقل قول میکند میگوید.

آیه ۷

متی ۷:۴ عیسی وی را گفت: «و نیز مکتوب است خداوند خدای خود را تجربه مکن.»

تثنیه ۱۶:۶ یهوه خدای خود را میازمایید، چنانکه او را در مستأ آزمودید.

عیسی مسیح خوب می دانست نیازی ندارد که مسیح، یا پسر خدا بودن خود را ثابت کند. "مُشک آنست که خود ببوید".

آقای William Barclay الهیات دان معروف می گوید که مسیحیان دروغین مرتب در تلاش هستند که با اعمال قهرمانانه مسح خود را ثابت کنند.

پاسخ مسیح به شیطان بسیار روشن و صریح بود. مسیح از همان کلام خدا به شیطان میگوید که البته من به پدر آسمانی ام اعتماد و یقین کامل دارم، به همین خاطر نیازی به آزمایش و امتحان نمی بینم و تازه کلامش می گوید که، نباید او را آزمایش کرد.

با این پاسخ مسیح، راند دوم هم به پایان می رسد، اما شیطان کماکان به فعالیت خود ادامه می دهد و در آیه ۸ و ۹ وارد راند سوم می شود.

آزمایش سوم: اگر مرا پرستش کنی همه چیز مادیات و عزت و احترام را بتو خواهم داد

متی ۱:۴-۹ پس ابلیس او را به کوهی بسیار بلند برد و همه ممالک جهان و جلال آنها را بدو نشان داد، به وی گفت: «اگر افتاده مرا سجده کنی، همانا این همه را به تو بخشم.»

پیشنهاد شیطان به عیسی مسیح اینست که:

"همان چیزی را که پدر بتو می دهد من، بدون رفتن بر روی صلیب، بتو می بخشم، اما شرطش آن است که مرا سجده کنی."

بله مسیح می توانست براحتمی صاحب همه چیز شود، اما نه از راهی که پدر آسمانی مقرر کرده بود.

مزمور ۸:۲ از من درخواست کن و امتها را به میراث تو خواهم داد و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید.

مسیح در آیه ۱۰ چنین پاسخ می دهد.

متی ۱۰:۴ آنگاه عیسی وی را گفت: «دور شو ای شیطان، زیرا مکتوب است که خداوند خدای خود را سجده کن و او را فقط عبادت نما.»

عیسی مسیح هرگز به هیچ بهایی حاضر نیست که از اطاعت و عبادت پدر آسمانی اش دست بکشد.

شیطان سعی بر توجیح هدفش دارد. به او می گوید مگر نمی خواهی پادشاه جهان شوی چه فرقی می کند که چطور اینکار را بکنی؟

این سه وسوسه در واقع، الگوی رفتاری شیطان در تمام وسوسه هاست.

یوحنا رسول در رساله اش این سه روش شیطان را با عناوینی چون شهوت چشم، خواهش جسم و غرور زندگانی معرفی کرده است.

اول یوحنا ۲:۱۵ دنیا را و آنچه در دنیاست دوست مدارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در وی نیست. زیرا که آنچه در دنیاست، از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست بلکه از جهان است.

سه منطقه ای شیطان همیشه از آن طریق حمله میکند

۱) شهوت جسم: از گرسنگی مسیح استفاده کرد / از روشهای خودت برای تامین نیازهایت اقدام کن منتظر خدا نشو (عدم اعتماد و توکل به خدای تامین کننده)

۲) خواهش چشم: او را به کوهی بسیار بلند برد و همه ممالک جهان و جلال آنها را بدو نشان داد، به وی گفت: «اگر افتاده مرا سجده کنی، همانا این همه را به تو بخشم. / زندگی بر فرضیات غلط. همیشه فرض را بر این بگیر که خدا تو را میبخشد بنابراین هر طوری که میخواهی زندگی کن در نهایت او ترا خواهد بخشید. (فرض غلط بر برقرار بودن فیض همیشگی خدا).

۳) غرور زندگانی: بر بالای معبد میبرد و میگوید تو مسیحی هستی که خدا بی چون و چرا جانت را حفظ میکند. / راههای و روشهای نفسانی نیز ما را به اهدافمان میرساند. نیازی نیست که حتما کتابمقدسی عمل کنیم. گاهی اوقات روشهای نفسانی بهتر عمل میکنند. (بجای اطاعت از روشهای الهی به نفس خود متکی شدن).

این سه روش رو می توانیم سه مرحله نیز در نظر بگیریم، بطوریکه،

وسوسه اول از یک خواهش و نیاز جسمانی شروع می شود.

بعد که تسلیم شدیم، آنچه چشم می خواهد آرزوی دل ما می شود، و

در نهایت غرور تمام وجودمان را آنقدر فاسد می کند که در مقابل شیطان به زانو در خواهیم آمد.

اما همانطور که دیدیم عیسی مسیح به هیچ کدام از آن آزمایشات تسلیم نشد، بلکه با تسلیم به کلام خدا، در مقابل سه آزمایش فیزیولوژیکی (پزشکی)، روانشناسی و جامعه شناسی پیروز شد.

در نتیجه آیه ۱۱ بما چنین می گوید:

متی ۱۱:۴ آنگاه شیطان دور شد و فرشتگان آمدند و عیسی را خدمت کردند.

مطمئناً در اینجا فرشتگان خدا تمام نیازهایش را برطرف کردند.

نتیجه گیری

اولین مطلبی که از این تجربیات مسیح باید بیاموزیم اینک:

۱- خودمان را در کلام و دعا در تنهایی با خدا آماده کنیم

۲- همیشه آماده رویارویی با آزمایشات باشیم، بخصوص بعد از کسب موفقیت‌های بزرگ

۳- روی ضعف های خود کار کنیم، ما انسان هستیم و باید بر شهوت جسم، خواهش چشم و غرور زندگانی مان کار کنیم.

۴- شیطان را دست کم نگیریم، او یک شخصیت واقعی و بسیار زیرک و ریزبین است، و هرگز از ما دست نمی کشد، اگر او را از در بیرون کنید، از پنجره وارد می شود، کافی نیست که فقط روی ضعف های بزرگ خود کار کنید، مواظب نکات بسیار حساس زندگی خود باشید.

در غزل غزلهای سلیمان هشدار داده شده که یک باغ بسیار زیبا نه با یک بمب اتمی، بلکه توسط شغاله های کوچک، خراب می شود.

پس باید همیشه گوش بزنگ و هوشیار باشید تا در تجربه نیافتید (یعنی شکست نخورید).